پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره چار دهم سال دوم دوشنبه ۲ سرطان ۴۸ - ۳۲ جون ۶۹ شماره ۶۶

جریان دموکراتیک خلق افغانستان

بار دیگر پشتیبانی و تائید خود را از فیصله های استادان پوهنتون ابراز میدارد

مقاومت اصولی ودموکراتیک استادان پوهنتون کابل از طریق کمیسیون منتخب آن، پس از حادثه (۲۹ ثور ۴۸) حمله وحشیانه پولیس درپوهنتون، ادامه دارد. ولی متاسفانه تاکنون قوای ثلاثه دولت با سکوت مرگبار، خود پاسخی مثبتی در باره نداده است.

ما یکبار دیگر پشتیبانی خویش را بطور کلی از فیصله نامه استادان پوهنتون و فیصله های بعدی و گزارشهای کمیسیون منتخب استادان پشمول چهارمین گزارش ابراز میداریم. در حالیکه متن کامل چهار مین گزارش کمیسیون را در ینجا بچاپ میسپاریم. مواد چهار گانه تقاضاء کمیسیون را که عبارتست از: (۱) گنجانیدن «مجمع عمومی استادان پوهنتون» بحیث عالیترین مجمع قانونی پوهنتون در قانون پوهنتونها»، (۲) «تشکیل اتحادیه استادان پوهنتون»، (۳) تکمیل نصاب ولسی جرگه جهت غور به فیصله نامه استادان و (۴) ایجاد مینتگ اعتراضیه بکروزه، در صورت عدم تکمیل نصاب ولسی جرگه و غور بر فیصله نامه استادان، به سلسله اقدامات بعدی مقتضی» استادان تائید مینمائیم، توجه استادان وبخصوص کمیسیون منتخب را به پیشنهاد خویش زیر عنوان «آزمایش یک طرح نو بخاطر حل مسایل مبرم روز» منتشره در شماره دوازدهم پرچم، معطوف میداریم وامیدواریم که طرح ما نیز بشیوه قوای ثلاثه دولت از طرف استادان وطنپرست پوهنتون به «سکوت اکادمیک» مواجه نشده باشد.

چهارمین گزارش کمیسیون منتخب استادان

پوهنتون کابل

شماره (۷) مورخ ۲۸ جوزا ۱۳۴۸ :

کمیسیون منتخب استادان پوهنتون کابل در جلسهٔ تاریخی ۲۴ جوزای ۱۳۴۸ خویش کمیته تعیین نمود تا بزود ترین فرصت طرح اساسنامه اتحادیه استادان پوهنتون را تدوین نماید. این کمیته پنج نفری که ازبین اعضای کمیسیون تعیین گردیده موظف شده است تا به مطالعه همه جانبه موضوع و گرد آوری مواد وماخذ مورد ضرورت برای طرح اساسنامه اتحادیه استادان پوهنتون پرداخته به تدوین اساسنامه آغاز نماید.

در جلسهٔ تاریخی ۲۵ جوزا نامهٔ متحدالمال ذیل به عنوان ولسی جرگه ومشرانو جرگه تسوید وبه هدایت کمیسیون توسط منشیهای کمیسیون بتاریخ ۲۶ جوزا بوکیل دکتور عبدالظاهر رئیس ولسی جرگه وسناتور عبدالهادی داوی رئیس مشرانو جرگه تسلیم داده شد:

« شماره ۶ مورخ ۲۶ جوزای ۱۳۴۸ بعد از القاب

به تعقیب نامه شماره (۱) مورخ ۱۱ جوزای ۱۳۴۸ که به ضمیمه آن فیصله نامه تاریخی ۲۱ ثور ۱۳۴۸ استادان پوهنتون توسط اعضای کمیسیون منتخب بشما سپرده شده ودر آن تقاضا شده بود تادر مورد آن قسمت از مواد فیصله نامه که منحیث مکلفیتهای مصرح در قانون اساسی بشما تعلق میگیرد به اقدامات قانونی بپردازید، وبا یادداشتهای متن دومین گزارش مورخ ۱۴ جوزای کمیسیون منتخب که در جراید غیر حکومتی نشر شده ومطابق آن یکبار دیگر طبق حکم ماده چهل و یکم قانون اساسی اقدامات عملی شورا در مورد فیصله نامه تقاضا شده است وبا آنهم به جز خبرهای تائید نا شده جلسات سری مشرانو جرگه در بارهٔ «اوضاع معارف» اقدامات قانونی ولسی جرگه ومشرانو جرگه به اطلاع استادان وعامه مردم نرسیده است، کمیسیون منتخب استادان پوهنتون مراتب آنرا خاطر نشان میسازد.

اول- درچهارمین مجمع عمومی استادان پوهنتون بتاریخ ۲۰ جوزای ۴۸ فیصله نامه کلا بحیث یک حقیقت با کثریت قریب با تفاق آراء یکبار دیگر تائید وکمیسیون منتخب استادان بازهم به تعقیب جدی آن موظف گردید.

دوم- برای اینکه تعقیب جدی فیصله نامه تا آخرین مراحل بصورت پیگیر ودر داخل نظام وتشکیلات صورت بگیرد واستادان بتوانند با پیروی از زشتهای قانون اساسی افغانستان به حفظ کرامت انسانی، مصئونیت پوهنتون واستحکام آزادی اکادمیک نایل آیند، تشکیل (اتحاد یه استادان پوهنتون) به اتفاق آرای مجمع تصویب وکمیسیون منتخب به تدوین طرح اساسنامهٔ آن موظف گردید.

کمیسیون منتخب استادان بنابر آن جداً تقاضادارد:

۱- چون (قانون پوهنتونها) تحت بحث شوری می باشد ودر این قانون تنها مجلس استادان هر پوهنتی وشورای پوهنتون پیش بینی شده است، توقع میرود «مجمع عمومی استادان پوهنتون» نیز که تاکنون چهار بار جلسه نموده است، به تابعیت از عنعنهٔ لویه جرگه که در کشورما یک رسم ملی وقانونی می باشد وبا اساسنامه های دین مقدس اسلام

(ص ۲)

وسایل مبارزه انتخاباتی

باید شریف ودموکراتیک باشد

این ارتجاع وامپریالیزم است که برای رسیدن به هدف ناپاک خویش به وسایل کثیف دست میزنند.

یک انسان واقعاً وطنپرست وپیشرو معتقد است که به هدفهای شریف انسانی، بهدفهای دموکراتیک وترقیخواهانه تنها با وسایل شریف انسانی وباوسایل دموکراتیک وترقیخواهانه میتوان رسید. البته جنبش انقلابی خلقی اعمال جبر انقلابی را بحیث یکی از وسایل اساسی تسریع جریان رشد وتکامل جامعه بکار میبرد، ولی باید درنظر داشت که آنرا بازهم درچوکات انسانیت، شرافت، عدالت وبسود اکثریت عظیم خلق وبزیان اقلیت نا چیز ستمگر واستثمارگر وبراساس اراده طبقات زحمتکش وپیش آهنگ آن بکار میبرد، که این خود شریف وانسانی است.

- مبارزان پیشرو دموکراتیک خلق افغانستان همیشه از پرستش شخصیتها، وخود پرستی، ازعصبیت عقیدوی، از فریب واغوای خلق، ازعوامفریبی، ازشارلتانی وشاهتاز، ازمخفی نگهداشتن مرام اجتماعی خود، از وعده ووعید فریبنده وغیره غیره جداً اجتناب میکنند.

- مبارزان پیشرو همیشه تمر بخشی روش مبارزه خویش را درچوکات اصول تئوری علمی واصولیت، روش واخلاق عالیه پیشرو مطالعه میکنند وبرچم نبرد عادلانه آزادی بخش ملی ودموکراتیک وترقی خویش را پاکیزه وبرافراشته نگهمیدارند.

- مبارزان پیشرو باتکیه به عالیترین صفات بشریت مترقی علیه رژیم ترس وجهالت وارتجاع واشکال ارتجاعی حاکمیت واداره ی امان مبارزه میکنند ومطابق به شرایط، وسایل مقدس نبرد خود را درصورت واشکال مختلف مبارزه تبدیل میکنند.

اکنون که مبارزه انتخاباتی دوره سیزدهم شوری درجریان است، مبارزان پیشرو دموکراتیک خلق افغانستان بحکم اخلاق مسلکی خود، و طبقه خویش میدانند که در جریان مبارزه انتخاباتی وسایل شریف انسانی را درچار چوب اصول جهانبینی علمی بکاربرند وازهرگونه وسایل غیر - مجاز وکثیف جداً اجتناب کنند.

البته باید خاطر نشان ساخت: در حالیکه ما این اصل غیر انسانی و نادرست راکه «هدفها توجیه کننده وسایلند» ازریشه رد می نمائیم و بخود اجازه نمی دهیم که هدفهای عالیه ومقدس خویش را بوسایل کثیف تعقیب کنیم، ولی هرگاه ارتجاع داخلی وخارجی باتحاد اخلالگران شعله ور داخلی وخارجی بخواهند با وسایل پست ووحشیانه علیه ما تخریب و سبوتاژ کنند، درآنصورت ازطرف ما بحکم اصول دموکراتیک ووسایل خلقی جواب دندانشکن خواهند گرفت! خلق شریف وانقلابی خواهد بود! آن هم شریف وانقلابی خواهد بود!

ببرک کارمل

کاندید جریان دموکراتیک خلق افغانستان

از ناحیه ۳ و ۴ شهر کابل در ولسی جرگه

ببرک کارمل ازآغاز دوران جوانی وتحصیل، از ۲۳ سال بدینطرف دراوضاع واحوال مختلف کشور در نهضت آزادیبخش ملی ودموکراتیک وطن محبوب ما افغانستان بخاطر آزادی، دموکراسی وترقی بطور پیگیر باروحیهٔ انقلابی فعالانه اشتراک ورزیده است.

سراسر زندگی ببرک کارمل طی این مدت مشحون از نبرد علیه استبداد ارتجاع، استعمار وامپریالیزم میباشد. وی علی رغم تهدید، فشار، حبس، ضرب وشتم، توطئه ترور وتبلیغات وحشیانه محافل وشبکه های ارتجاع داخلی وامپریالیستی جسورانه واستوار، درموضع مقدم دفاع ازمنافع خلق وطن ما افغانستان وبمنظور بیداری خلق دریک صف با مبارزان پیشرو ملی ومترقی پیوسته قرار داشته است.

ب. کارمل سالهاست که زندگی آگاهانهٔ خویش را درراه تبلیغ وترویج تئوری علمی، اندیشه های تابناک عصر - ایدئولوژی طبقه کارگر، وقف ودرامور سازمانی، مرامی، سیاسی و رهبری جریان دموکراتیک خلق افغانستان و فراکسیون پارلمانی آن (در دورهٔ دوازدهم شوری)، تنظیم خط مشی ستراتژیک و تاکتیکی جریان دموکراتیک خلق افغانستان برمبنای اصول خلاق جهانبینی علمی وانطباق آن درشرایط جامعهٔ افغانستان نقش اساسی وخلاقی داشته است.

ب. کارمل بایمان راسخ وتزلزل ناپذیر ودر چوکات اصول خلاق جهانبینی علمی و مطابق به شرایط افغانستان در جهت تامین منافع وآرمانهای والای زحمتکشان، در راه رشد وتکامل جریان دموکراتیک خلق افغانستان ودر ارتقای سطح نشرات پرچم خلق - ناشر اندیشه های جریان دموکراتیک خلق افغانستان سهم بزرگ وفراموش ناشدنی داشته است.

از آنجا ئیکه ببرک کارمل نقش برجسته وبزرگی را باشهامت وشجاعت درامر سازماندهی، تئوریک وسیاسی جریان دموکراتیک خلق افغانستان ودر مبارزه علیه رویزیونیزم وایودرتو نیزم «چپ» وراست ایفا نموده، پیوسته افتخار خصومت و حملات کینه توزانه طبقه حاکمه افغانستان و شبکه های تروریستی و جاسوسی ارتجاع داخلی و امپریالیستی و پیروان شووینیزم تاتمطلبانه راکسب کرده است، ازآنرو جریان دموکراتیک خلق افغانستان فشرده درسنگر دفاع وی قرار خواهد گرفت واین امر را وظیفه جدی واصولی رفیقانهٔ خویش میداند ودرین راه دلیرانه واستوار پیش خواهد رفت.

همه کسانیکه ببرک کارمل را میشناسند و تحت تاثیرات تبلیغات سوء و زهراگین شبکه های تخریبی ونیروهای ارتجاعی و امپریالیستی قرار نگرفته اند، نه تنها به شخصیت سیاسی واجتماعی کارمل، بلکه همچنان نسبت به تقوی انقلابی و شخصیت انسانی ومترقی وی علاقه واحترام خاص دارند.

رزمندگان دموکراتیک خلق افغانستان با ببرک کارمل در تحت پرچم اندیشه های پیشرو عصرما، در راه تحقق آرمانهای والای زحمتکشان به پیش!

(هیات رهبری پرچمداران جریان دموکراتیک خلق افغانستان)

اعلامیه کنفرانس بین المللی

احزاب کمونست وکارگری راجع به شرق میانه

دو سال قبل اسرائیل تجاوز صریحی را علیه جمهوریت متحد عربی، اردن وسوریه مرتکب گردید. از آنوقت محافل حاکمه اسرائیل به پشتیبانی امپریالیزم وبالاتر از آن امپریالیزم امریکا، ارتجاع جهانی و محافل صهیونی به اشغال سرزمینهای عرب که در نتیجه تجاوز بدست آورده ادامه میدهد، از تطبیق فیصله های ملل متحد بشمول فیصله های شورای امنیت سر باز می زند و ازسیاست توسعه جویی والحاق پیروی وبه اعمال ستمگرانه علیه مردم عرب در مناطق اشغالی دست می زند وپیوسته به تحریکات جدید نظامی می پردازد.

کنفرانس بین المللی احزاب کمونست وکارگری تجاوز مکرر اسرائیل راکه تخطی بزرگ بر حقوق ملی ملل عرب، بشمول حقوق قانونی خلق عرب فلسطین وتخلف صریح از منشور ملل متحد که مخالف تجاوز میباشد، بطور قطع محکوم مینماید.

ملل عربی در مبارزه عادلانه شان علیه تجاوز از پشتیبانی موثر کشورهای سوسیالیستی، در در جه اول از اتحاد شوروی برخوردار میباشند. جنبش جهانی کمونیستی، نیروهای آزادیبخش ملی وحلقه های وسیعتر افکار عامه در کشورهای سرمایه داری از این مبارزه آنها پشتیبانی میکنند.

کنفرانس احزاب کمونستی و کارگری معتقد است که صلح وامنیت در این منطقه صرف در صورتی میتواند تامین گردد که قوای اسرائیل از تمام سر زمینهای اشغالی عربی اخراج گردد وفیصله نامه ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ شورای امنیت، کاملا مورد تطبیق قرار گیرد.

کنفرانس از تمام نیروهای مترقی جهان درخواست مینماید که پشتیبانی موثر شانرا از ملل عربی وهمبستگی خویشرا با مبارزه عادلانهٔ ایشان شدت بخشند.

دولت انقلابی سودان اعلان کرده:

برای سیاهپوستان ایالت جنوبی

خودمختاری میدهد

دولت انقلابی سودان اعلان کرد که برای سیاه پوستان ایالت جنوبی آنکشور خودمختاری میدهد. دولتهای سابق به جای دادن استقلال، خواست ایشانرا باتوپ وتانک جواب میدادند. در جنوب سودان پنج ملیون سیاهپوست زندگی میکنند.

از جانب یکدو لت سودان بر نامه های: کار برای همه، نان برای همه، لباس و مسکن برای همه را تنظیم وبکار آغاز کرده است و همچنان مشغول تطبیق ریفورمهای عمیق برای مردم سودان میباشد.

دولت جدید بیک سلسله تصفیه ها در دستگاه دولتی دست زده است و عده ئی از روسا و مامورین عالیرتبهٔ فاسد رشوه ستان را از وظایفشان بر طرف وتحت محاکمه گرفته. از جانب دیگر نود نفرازمبارزین که در رژیم سابق به جرم خدمت به مردم زندانی شده بودند، آزاد کرده شدند.

ارتجاع عرب از بوجود آمدن رژیم مترقی در سودان فوق العاده ناراحت است. قبل از همه پادشاه عربستان سعودی برای مردم سودان اشک همدردی می ریزد.

از جانب دیگر در سر تاسر سودان مظاهرات بزرگی بطرفداری از رژیم جدید صورت میگیرد. همچنان تظاهرات ضد عربستان نیز صورت گرفته است. مردم فریاد می زنند: در عقب عربستان دست امپریالیزم امریکا کار میکند. در عربستان تبلیغات ضد رژیم مترقی سودان جریان دارد ومصارف این تبلیغات را شرکت نفتی (آرام کو) می پردازد.

درباره فعالیت عملی مبارزان

دموکراتیک خلق افغانستان

بیرک کارمل

در این اواخر از یکسو نهضت‌دانشجوئی درجامعهٔ ما بطور نسبی‌گسترش می‌یابد واز سوی دیگر مبارزات انتخاباتی برای‌دورهٔ سیزدهم‌شوری درجریان است، ولی این امربنابید مارا ازتشخیص واجرای‌فعالیت عملی همه جانبه خویش غافل سازدوتنها درچهار چوب قشری نهضت‌دانشجوئی محدود ومنحصر گرداند ویا پارسای پارلمان و پارلمانتریزم‌سازد؛ بنابران وظیفه ملی و مترقی‌حکم مینماید تاهردو جریان مبارزه‌را در سمت نهضت عمومی ملی‌ودموکراتیک کشور سوق و هرچه‌بیشتر بسط وتوسعه دهیم. بدینجهت درین مقاله یکبار دیگر فعالیت عملی‌و وظایف مبارزان دموکراتیک خلق‌افغانستان خاطر نشان می‌گردد .

در اوضاع واحوال کنونی مهمترین وحیاتی ترین مسأله ما عبارت است از **فعالیت عملی** ومؤثر روز مره مبارزان دموکراتیک خلق‌افغانستان. ما درین مقاله بالای **جنبه عملی**مسأله تأکید بیشتر مینمائیم .

منظور ما از فعالیت عملی مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان عماناً رهبری وسازمان دادن مبارزه طبقاتی زحمتکشان است که در صورت مبارزه اجتماعی ـ سیاسی مشخص میگردد . بهمین جهت مایه توضیح مؤجز دو جنبه کار خویش یعنی کاردر عرصه سوسیالیزم‌علمی ووظایف دموکراتیک افغانستان که باهم پیوند منطقی دارند ، میپردازیم .

فعالیت جریان دموکراتیک خلق افغانستان درعرصهٔ سوسیالیزم‌علمی درین مرحله تاریخی عبارت از اجرای وظایف ذیل میباشد :

ـ ترویج سوسیالیزم علمی .

ـ توضیح مفهوم صحیح سیستم فرتوت اجتماعی ـ اقتصادی ـ افغانستان .

ـ تشریح و توضیح ساختمان طبقاتی وآرایش نیروهای طبقاتی افغانستان ،نهضت جوان کارگری، نقش طبقهٔ کارگر واتحاد آن با دهقانان وطبقات دیگر که در حال تکامل اند ، رشد روز افزون نیروهای مترقی،روش مبارزه طبقهٔ رشد یابنده کارگر کشور با طبقهٔ تیکه‌در حال زوال اند ووظیفه تاریخی‌طبقهٔ کارگر افغانستان .

ـ اشاعه مفهوم سوسیالیزم یا راه رشد غیر سرمایه ـ داری مترقی که میتواند راه رایسوی سوسیالیزم بگشاید ، ولی ارتجاع وامپریالیزم در راه آن موانع ایجاد میکنند .

همچنان در شرایط فعلی تبلیغ‌(بموازات ترویج) در بین‌زحمتکشان اهمیت اساسی دارد . تبلیغ درمیان زحمتکشان کشور عبارت است از :

ـ پشتیبانی عملی مبارزان ما ـ از مبارزات طبقه کارگر بخاطر تقلیل ساعات‌کار، افزایش‌دستمزد، بهبود شرایط کار وغیره .

درین زمینه باید هدف فعالیت عملی ما کمک به تنویر اذهان کارگران باشد و به آنان همکاری‌صورت گیرد تا خواستهای اقتصادی خود را در برابر کارفرما یان ومقامات مربوط بصورت علمی تروهشیارانه‌تر، ترتیب و تنظیم نمایند .

ـ کمک در امر تشکیل سازمان‌های‌کارگری وار تقای سطح فهم ودرك کارگران بمثابه طبقه واحد کارگر وهمبستگی واتحاد آن‌بادیگر طبقات و قشرهای دموکراتیک بخصوص دهقانان‌وروشنفکران‌مترقی.

ـ بر قراری ارتباط اصولی بین تمام کارگران ، مراکز نهضت کارگری و مبارزین دموکراتیک خلق افغانستان از طریق ترویج وتبلیغ شفاهی وتحریری ـ وتشکیل‌محافل کارگری .

خاطر نشان میگردد که **دروضع کنونی** نهضت ، کار عملی ما بیشتر از همه باید متوجه کارگران‌درمناطق صنعتی ، پروژه های ساختمانی وشهرها باشد . جریان دموکراتیک خلق افغانستان نباید در اوضاع واحوال کنونی نیروهای خود را بیشتر از حدود لازم پراکنده سازد، باید توجه خود را بمراکز سیاسی متمرکز سازد تا شرایط لازم‌نهضت دهقانی در کشور تدارك دیده شود. باید در نظر داشت که این تکتیک بهیچوجه بمفهوم نادیده گرفتن دهات و کار در میان دیگر طبقات زحمتکش ودموکراتیک افغانستان نمیباشد . اغلب کارگران‌افغانستان از لحاظ شرایط‌زندگی نزد یکترین ارتباط را با اهالی دهات، با کارگران مزدور زراعتی ، دهقانان، کسبه کاران و پیشه وران دهات ی وشهری دارند .کارگران صنعتی ویروزه ـ های ساختمانی که بکمك مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان آگاهی حاصل مینمایند ، بخوبی میتوانند با قشرهای‌عقب مانده ترزحمتکشان شهروزده تماس‌حاصل کنندواندیشه‌ـ مبارزه طبقاتی ، اصول سوسیالیزم علمی وخط مشی جریان دموکراتیک خلق افغانستان را در بین آنهانفوذ دهند .

تجربه مبین اینحقیقت است که تبلیغ مبانی قشرهای پیشقدم ـ زحمتکشان مؤثرترین راه بیداری تمام زحمتکشان شهر وده‌افغانستان بشمار میرود . ما معتقدیم که در دوران معاصر جهان تنها آموزش سوسیالیزم علمی ومبارزه طبقاتی میتواند پرچم نهضت انقلابی افغانستان نیز باشد . این وظیفه عملی مبارزان دموکراتیک خلق افغانستان است‌که این آموزش را با تمام قوای ممکنه پخش نمایند وآنرا از توجیهات وتعبیرات‌نادرست یعنی از رویزیونیزم «چپ» وراست حفظ نمایند ونهضت کارگری جوان افغانستان را بمجرای سیاست اصیل انقلابی سوق دهند .

از هم این اصل اساسی راتکرار مینمائیم‌که کار و فعالیت در راه اجرای وظایف دموکراتیک ارتباط لاینفك با مبارزه در راه سوسیالیزم دارد . با در نظر داشت این اصل فعالیت عملی دموکراتیک وملی ، مبارزان دموکراتیک خلق‌افغانستان عبارت از اجرای و ظایف زیر پیش میباشد :

ـ ترویج اندیشه های دموکراتیک در بین توده های وسیع خلق .

ـ توضیح مفهوم استبداد و حکومت مطلقه با تمام اشکال‌فعالیت ومضمون طبقاتی وضرورت‌سقوط آن .

ـ اشاعه این مفهوم در میان زحمتکشان که مبارزه پیروزمندانه در راه آزمان کارگری بدون آزادی سیاسی ودموکراسی کردن سیستم سیاسی واجتماعی افغانستان‌امکان‌پذیر نیست .

ـ تبلیغ در باره نیازمندیهای سیاسی فوری ، رنجها و خواستهای دموکراتیک زحمتکشان .

ـ تبلیغ بر ضد ظلم و ستمگری دستگاه اداره و پولیس در تمام‌شئون زندگی خلق وبر ضدمحدود ـ دیتهای حقوقی و آزادیهای‌کارگران وبر ضد تمام چاکران‌سیاه استبداد.

ـ نبرد تبلیغاتی علیه ارتجاع فئودالی و ارتجاع امیر پالیستی‌این دو دشمن عمده خلق افغانستان .

ـ تعقیب پالیسی عمل مشترك علیه امپریالیزم بین المللی این دشمن اساسی جهان در عرصه ملی وبین المللی .

باید این نکته را در نظر داشت که ده ها مسأله روز مره‌خلق وجود دارد که میتواند موضوع تبلیغات اقتصادی وسیاسی قرار گیرد . تبلیغات ضمن تنویر اذهان کارگران و توده های وسیع خلق ، ضمن متشکل کردن‌آنها ـ به‌کارگران وسایر طبقات دموکراتیك امکان خواهد داد تا نیروهای خود را در مورد مسایل فوری وخواستهای فوری امتحان کنند واز دشمن خود گذشتهای جزیی بدست آورند ؛ وضع اقتصادی‌خود را بهبودبخشند؛ مقامات مربوط وکارفرمایان را وادار سازند تانیروی کارگران وسایرنیروهای دموکراتیك را بحساب‌آورند؛ حکومت را مجبور سازند تا حقوق‌و آزادیهای دموکراتیك‌کارگران وتمام خلق را توسعه دهد وبخواست آنان اعتنا نماید و حکومت را در برابر خلق‌وادار بعقب نشینی سازد .

* * *

علی الوصف اینکه ما راجع به ارتباط لاینفك ترویج و تبلیغ دموکراتیك وسوسیالیستی وبموازی بودن امر انقلابی در این و آن فعالیت تذکر دادیم ، ولی بین این دو نوع فعالیت ومبارزه فرق مهمی هم وجود دارد . باین معنی‌که زحمتکشان در مبارزه اجتماعی واقتصادی خود تنها (احیاناً بکمك عناصری از خرده بورژوازی) با ملاکین فئودال و بورژوازی مواجه است . حال آنکه در مبارزه بخاطر دموکراسی سیاسی و در مبارزه ضد استبداد وامپریالیزم تمام طبقات وقشرهای منافع مادی خویش شور وشوق انقلابی و مخالفت خود را علیه استبداد در عوض مقرری ومزایای مادی دولتی بفروش میرسانند . لذا دیده میشود که تنها طبقه کارگر میتواند تاآخرین‌لحظه واقعادموکرات پیگیر باشد ودر راه آزادی سیاسی وایجاد موسسات دموکراتیك مبارز پیشرو باقی بماند و دموکراسی کردن ز زیم سیاسی واجتماعی را تا آخر رساند . زیرا ظلم وستمگری سیاسی بموازات استثمار وحشیانه استبداد هستند و یا از امپریالیزم زیان می بینند بنا بر مصالح خود از نهضت دموکراتیك و ملی در صف زحمتکشان قرار میگیرند .

درینصورت بدون اینکه کدام«قرارداد تسلیم طلبی » زحمتکشان وپیشتاهنگ آن (جریان دموکراتیك خلق افغانستان) موضوع بحث باشند، کارگران و پیشتاهنگ‌آن باید حفظ ما هیت مستقل خویش از تمام متحدین و منفقین خود در« **مسایل مختلف ودر وظایف مختلف**» وحتی نیل به هدفهای جزیی مختلف‌وغیره علیه دشمنان داخلی وخارجی خلق نه تنها پشتیبانی میکند ، بلکه برپرچم جنبش رهایی بخش‌دموکراتیك واجتماعی کشور را پیشا پیش برافراشته نگهمیدارد .

نکته برجسته ومهم تاریخی اینست که در جامعه ما صرف فقط **طبقه‌کارگر** وپیشتاهنگ آن تا آخرین لحظه دشمن پا برجا وشجاع حکومت مطلقه ،ارتجاع وامپریالیزم است و هیچگونه **صلح** و آشتی در میان آنها بوجود آمده نمیتواند . تجربه ثابت کرده است که تنها زحمتکشان است که تا اخیر برای دموکراسی کردن جامعه به پیش میروند .ولی دیگر طبقات و قشرها اعم از (۱)؛ بورژوازی ، (۲) خرده ـ بورژوازی و (۳) افراد تحصیلکرده وبطور کلی « روشنفکران » تا مرحله ای در نهضت دموکراتیك وملی با زحمتکشان همراه است، ولی‌در آخرین تحلیل هر قدر مبارزه‌طبقاتی تشدید می یابد اولی بر ضد زحمتکشان با حکومت مطلقه عقد قرار داد می بندد؛ بخش مهمی از دو می‌به طبقات ارتجاعی کرایش پیدا مینماید و سومی غالباً طبق منافع مادی خویش شور وشوق انقلابی و مخالفت خود را علیه استبداد در عوض مقرری ومزایای مادی دولتی بفروش میرسانند . لذا دیده میشود که تنها طبقه کارگر میتواند تاآخرین‌لحظه واقعادموکرات پیگیر باشد ودر راه آزادی سیاسی وایجاد موسسات دموکراتیك مبارز پیشرو باقی بماند و دموکراسی کردن ز زیم سیاسی واجتماعی را تا آخر رساند . زیرا ظلم وستمگری سیاسی بموازات استثمار وحشیانه اقتصادی تأثیرش در زحمتکشان شدید تر است ودر موجودیت جامعه طبقاتی هیچگونه امکان رسیدن زحمتکشان بمقامات عالیه دولتی ویا دسترسی به ماموران دولتی وجود ندارد . بهمین جهت بایدطبقه کارگر وپیشتاهنگ آن همیشه در اتحاد با دیگر نیروهای اجتماعی استقلال خود را حفظ کند . زیرا « **متمایز ساختن** طبقه کارگر بمثابه یك مبارز پیشقدم در راه‌تاسیسات دموکراتیك، جنبش دموکراتیك‌را **تقویت مینماید** . یعنی مبارزه در راه آزادی سیاسی را**تقویت مینماید**، زیرا طبقه کارگر تمام عناصردیگر دموکراتیك وازلحاظ سیاسی‌مخالف حکومت مطلقه را**ترغیب**خواهد کرد.» درینجاست که اگر واقعاً کسی خود را سوسیالیست ، یا دموکرات پیگیر وانقلابی ویا و طنپرست‌واقعی ومترقی میداند باید به پیشتاهنگ طبقه کارگر تعلق بگیرد وبه‌ایدئولوژی‌طبقهٔ‌کارگر یعنی سوسیالیزم‌علمی اعتقاد راسخ پیدا کند و پیوند طبقاتی خود را از دیگر طبقات عملی بگسلاند وبموضع طبقه کارگر قرار گیرد . این حکم آمرانه تاریخ است !

اصولاً مبارزه علیه بیروکراسی جزء مبارزه دموکراتیك و ضد حکومت مطلقه بشمار میرود . ولی ما درینجا بنا بر خصلت نیرومند ضد یت خلق افغانستان علیه بیروکراسی یعنی علیه دستگاه ماموریت دولت افغانستان را بصورت مشخص تر جزء فعالیت عملی رو زمره مبارزان دموکراتیك خلق افغانستان را قرار میدهیم .

دستگاه ماموریت دولت‌افغانستان (بیروکراسی) بمثابه قشر خاص وبا امتیاز درمقابل خلق وطن قرار دارد . ما هر روز در هر مساله ـ حیاتی توده های وسیع مردم‌کشور، با خصلت مستبد و آسیایی‌بیروکراسی افغانستان بر میخوریم . نظام اجتماعی ـ اقتصادی فئودالی وفوق العاده عقب مانده افغانستان، استبداد ماهوی حکومتهای افغانستان وقشر قابل ملاحظه ماموریت دولت با خود سری‌کامل بیروکراسی صاحب امتیازهمه ـ عوامل اند که موجب فقدان حقوق سیاسی مردم افغانستان گردیده است . واقعیت اینست که مناسبات بین دستگاه ماموریت دولت افغانستان وخلق بمثابه مناسبات بین آقا ونوکر است . بهمین جهت بطور کلی طبقات وقشرهای دموکراتیك وتحت ستم که اکثریت قاطع نفوس کشور را تشکیل میدهد ، بطور کلی بر ضد مامورین خود سر ، خود کام، رشوه خوار ، بیرحم ، جاهل ، مفتخوار وفعال مایشای دولتی افغانستان ازاجحار عمیق داشته ودر موضع مخالفت جدی و دایمی قرار دارند. ولی حقایق نشان میدهد که هیچ یك طبقه وقشر دیگر به جزء طبقهٔ کارگر نمیتواند در دموکراسی کردن واصلاح کردن اساسی این دستگاه نقش قاطع ومؤثر ایفا کند. کیست‌که هر روز نبیند چطور وبچه ارزانی عموماً (عناصر صدیق واستوار در جایش) را دیگال روشنفکر وسوسیالیست رو شنفکر ودموکرات رو شنفکر وعنصر ملی رو شنفکر ومترقی روشنفکر و انقلابیکر رو شنفکر (تحصیل کرده ویا محصل) امروز در هر طبقه ای که باشد ، فردایه‌ـ ما مور دولت افغانستان بدل می گردد . بلی در کشور ما از سالها به اینسو چنین معمول‌است. ما موریکه فاقد شعور طبقاتی پرولتری است و ذهنیت روشنفکری دارد ، پیوسته خود را باین قناعت میدهد که گویا « در چهار دیوار‌ـ کهنه پرستی اداری » فائده » میرساند ـ ما موریکه این « فائده» را دلیل برای‌تبرئه لاقیدی‌سیاسی خود وحلقه بگوشی خود در برابر حکومت تا زیانه و شلاق میداند؛ مطلوب ما موران فاسد دست که «فائده شخصی» را به‌حساب «فائده خلق » جا میزنند !

لذا چنین نتیجه گیری میکنیم که در آخرین تحلیل ودر جریان نهضت رهایی بخش دموکراتیك واجتماعی کمر است که زحمتکشان دشمن حکومتهای‌مطلقه وبیروکراسی آن میباشند . فقط زحمتکشان است **که هیچ رشته ئی** آنها را با این مقامات جامعه طبقاتی فئودالی افغانستان مربوط نمیسازد . فقط زحمتکشان قادر به مبارزه قطعی و تسلیم ناپذیربادستگاه استبدادی است . لهذا وظیفه مبرم روز پیشتاهنگ طبقه کارگر یعنی مبارزان دموکراتیك خلق‌افغانستان عملاً مورد هجوم .

دستگاه ماموریت دولت‌افغانستان (بیروکراسی) بمثابه قشر خاص وبا امتیاز درمقابل خلق وطن قرار دارد . ما هر روز در هر مساله ـ حیاتی توده های وسیع مردم‌کشور، با خصلت مستبد و آسیایی‌بیروکراسی افغانستان بر میخوریم . نظام اجتماعی ـ اقتصادی فئودالی وفوق العاده عقب مانده افغانستان، استبداد ماهوی حکومتهای افغانستان وقشر قابل ملاحظه ماموریت دولت با خود سری‌کامل بیروکراسی صاحب امتیازهمه ـ عوامل اند که موجب فقدان حقوق

از (ص اول)

چهارمین گزارش کمسیون...

معنوی رابر پیکر علم ومعارف کشور وحیات علمی و اجتماعی ما وارد میسازد زیرا آنجا که حکومت تاکنون به فیصله نامه استادان وگزارشهای کمیسیون وقعی نگذاشته‌است‌اعضای ولسی جرگه بزودترین فرصت احضار ونصاب آن جهت غور بر فیصله‌نامه استادان پوهنتون تکمیل گردد تابه تطبیق موادیکه منجیت مکلفیتهای مصرح در قانون اساسی به‌این جرگه تعلق می گیرد پرداخته شود .

٤ـ هر گاه نصاب‌ولسی جرگه برای غور بر فیصله نامه استادان پوهنتون کابل از تاریخ دو شنبه ۲٦ جوزا الی ۳ شنبه ۳ سرطان ۱۳٤۸ تکمیل نگردد استادان پوهنتون به سلسله اقدامات بعدی «مقتضی قانونی» به «میتنگ اعتراضیه » یك روزه میپردازد و تدابیرلازم بعدی را اتخاذ مینماید .

بااحترام

ازطرف کمیسیون منتخب استادان پوهنتون کابل

امضای پوهنوال علی محمد زهما رئیس کمیسیون

* * *

کمیسیون منتخب استادان‌پوهنتون که متشکل ازنمایندگان با صلاحیت وقانونی بیشتر از (۳۰۰) نفراستاد پوهنتون میباشددلایل انعقاد «جلسه اعتراضیه» یك‌روزه‌استادان پوهنتون را به اطلاع مردم یا ایمانی دانشی دوست افغانستان میرساند :

۱ـ از آنجا که عنعنه منحوس افکندن شوری ازنصاب به حیث‌یك عمل ضد دیموکراتیك از حکومت سابق بمیراث مانده است ،وحکومت موجوده متاسفانه ،ازاین وسیله فرسوده و غیر قانونی اعمال نفوذ بریك رکن مستقل قوای‌ثلاثه بصورت بی شرمانه یی استفاده میکند ،آنهم در شرایطی که‌مملکت با مسایل‌مهمه ملی ،ازقبیل نقض قانون اساسی توسط قوای اجرائیه (که‌در فیصله نامه تاریخی ۳۱ ثوراستادان‌پوهنتون درج گردیده است) وزکود معارف مواجه است وآن خود دخسارات سنگین وجبران ناپذیری راازمدت دوماه به اینطرف بر پیکر تا توان اقتصاد وفرهنگ افغانستان وارد کرده ونزدیك است با اراده‌ناعاقبت اندیشانه حکومت ومحض به غرض حفظ قدرت برای سه چهارماه‌نهضت عرفانی مملکت‌برای **یك سال سقوط** کند ،ودر عصر فرخنده سلطنت اعلیحضرت محمد اظاهر شاه که بانی

(ص ۳)

داستان غم‌انگیز کشت

چغندر

از سالهاست که حکومت افغانستان کشت چغندر در بغلان ووادی غوری‌را بصورت اجباری بر دهقانان تحمیل میکند. هر دهقان وزمیندار مجبور است پنجم قسمت مزرعهٔ خودرا چغندر بکارد. کشت چغندر کار ساده نیست. بلکه بامشکلات ورنجهای زیادی همراه است. زمینیکه چغندر کاشته میشود باید قبلا خاك ویا بارو مکفی داده‌شود، بعد همینکه بنهٔ چغدر اززمین بلند شد ،خویشاوه آن شروع میشود . تکلیف آبیاری وخویشاوه‌هر جریب چغندر کاری را ایجاب‌میکند که آن کار برای کشت و بروزش ۳۰ جریب گندم کافی‌شمرده‌میشود . فرزندان وزنان، کودکان‌واطفال دهقانان تمام سال وایام فعالیت را درخدمت بته های چغندروخویشاوهٔ آن بسر میبرند وهرواحد آن چندین لباس را درین کار کهنه وفرسوده میسازد ،مرض‌خانمانسوز رو مانیزم تمام کودکان‌مصروف در مزرعه چغندر را احاطه میکند وآنانرادر بهترین ایام‌زندگی‌بانسان‌های مریض وعلیل تبدیل‌مینماید. ماموران زراعت «مربوطین شرکت قند سازی » وقتا فوقتا ازمزارع چغندر و ارسی (!) میکنند وبسا که بدون موجب باعث فشاربر دهقانان بیدفاع میشوند.

تعامل خرید وفروش«!» چغندر:

چغندر بعد ازینکه توسط‌دهقانان درزیر شلیك بارانها وسرمای تیرماهی‌ازمزارع جمع آوری شد، در کوتی ها پرمیشود وبرموترها حمل میگر دد . آنو قت‌موترهای حامل چغندر بشرکت قند سازی بغلان صنعتی وارد میشوندومحمولات خودرا در سیلو های‌فابریك تخلیه میکنند . ماموران‌فنی فابریك چغندر را ازلحاظ فیصد ی‌مواد قندی ملاحظه نموده ومقدارخاکانه آنرا حسب د لخواه تعیین میکنند (این تعیینات غالبا باندا زهٔ اعتبار، شهرت وروشناسی مالکین متناسب است) بعد ازتعیین خاکانه توسط مامورین‌فنی‌پنج‌فیصد خاکانه را (بصورت تعامل) مدیریت محاسبه شرکت می‌افزاید. وهمچنان‌فیصدی مواد قندیرا مامورین شرکت حسب دلخواه تعیین نموده وبروی آن قیمت چغندررااز۵۰۰و۶۰۰-افغانی تا ۷۰۰- افغانی فی‌تن حساب میگیرند. این نرخ بعد از تمام زحمتکشی و عرقریزی های زحمتکشان پایانتر از نرخ کاه ماش است. این نرخ آنقدر ظالمانه هست که هیچ‌نظیری برای آن دیده نمیشود.

دهقانانیکه چغندر رابه فابریك تحویل میدهند ،ازوزن چغندرخود تا مقدار خاکانه وفیصدی هواد قندی آن از هیچ چیزی سر در نمی‌آورند. تعیین این‌اندازه ها کار شرکت است ومبلغیکه روی تعرفه بدهقانان داده میشود به «مشت پوشیده ،هزار دینار» میماند که فقط بلطف وکرم‌شرکت مربوطست که کم آن را می خورد ویا زیاد آنرا. از پول قیمت چغندر اعانه هاوتکت پولی هاییکه وضع میشود اصلا باطلاع دهقانان نمیرسد و مشورهٔ آنانرا در همچوموارد هیچ اعتباری نیست .مثلا در چند سال گذشته بنام تعمیر مساجدیك فیصدی‌معین را از قیمت چغندر وضع کرده اند وازین مدرك سوء استفاده های فراوانی بعمل آمده است.

هرگاه دهقانی بخاطر کرفتن‌پول پیشکی قرار دادی را باشرکت عقد نماید ونتواند مقدار متعهد شدهٔ چغندر را به شرکت تحویل بدهد درآنصورت اگر چغندر آماده،کمتر از نصف مقدار متعهده باشدمجبور است ٦٠ -افغانی فی‌تن واگرنصف باشد ٥٠- افغانی‌فی‌تن واگر کمتر از نصف یا شد ٤٠- افغانی فی تن، بصورت جریمه بشرکت تحویل میکندواگر نتواند که‌نسبت کدام آفت طبیعی هیچ مقداری از چغندر را تحویل دهد مکلف است علاوه برفی تن ٧٠-افغانی جریمه قیمت بذر چغندر را نیز تحویل کند.

این‌بود شمه ئی از داستان غم انگیز چغندر که روز بروز درد انگیز تر میشود وکمر دهقانان را بیشتر از پیشتر می شکند .

دهقانان برروبه ظالمانه شرکت وبرحمایت ستمگرانه حکومت از شرکت ، اعتراض میکنند وجدا مطالبه مینمایند که‌این نرخ ظالمانه بیك نرخ عادلانه تبدیل گردد و بگذارند که این دهقانان ستمکش یك لقمه نان خشك از حاصل رنج خود بدست آرند.

عده یی از دهقانان غوری

اهالی دروازبدخشان فریاد

میکشند : راه‌ما راه‌مرگ وخطراست

از آنجا که پرچم ناشر اند یشه‌های دمو کراتیك خلق افغانستان‌انعکاس دهندهٔ صادق درد ها و رنجهای زحمتکشان و ز تجبران‌است ، امید واریم فریاد ما ستمدیدگان واز جشم افتاد گانرا به مردم ستمد یده سرا سر افغا نستان‌بر ساند .

درواز ما یکی از مناطق دور دست‌و فقر کشتهٔ بدخشان است . درواز توسط کوههای بلند پوشیده ازبرف احاطه شده و در ایام زمستان‌ضخامت طبقهٔ برف روی را همهای‌کوهستانی و معابر آن از ده متر تجاوز میکند . مردم در واز به‌سبب‌وجودنظام کهن اقتصادی واجتماعی‌وخصونت طبیعت وعقب‌ماندگی وفقر خود از ۱۵ عقرب سالی ۱۵ ثوریعنی‌ششماه کامل به علت مسدود بو دن‌راهها د ر سر ز مین خود به حبث زندگی انسان بسی ارتباط طبا قیمیمانند و از تمام مناطق وطن‌جدا میشوند . چنانچه شاعر توده یی در وازی این مطلب‌را چنین افاده‌کرده است ،

«زعقرب تابه جوزا زیر برفیم بهار و تیر ما هی نیست مارا»

این شرایط بعلاوهٔ فقر کشنده وسیاه موجب آن شده است که مردم‌در شش ماه سر ما از ضروری ترین مواد زندگی محروم شوند . ازشکر ،جای ، صابون و حتی مادهٔ حیاتی‌نمك با می نشنوند . هنگا میکه راهها کشوده میشود و رسیدن به‌نزدیك ترین با زار ها (فیض آبادورستاق) میسرمیشود،برای رسیدن باین باز ارها (۸) روز طی منزل‌لازم‌می آید و باین حساب رفت و آمدباین بازار ها (١٦) روز را لازم دارد این منزل را هم باید از راه (آتنگار)طی نمود .

برای اینکه خوانند گان با گوشهٔ‌کوچکی از مشکلات مردم در وازآشنا شوند ، بایدراجع براه (آتنگاه) با ایشان صحبت کنیم ،

این راه که علاقه داری خوا هان را به ولسوالی در واز وصل میکند ، ازبین سلسله کوههایی عبورمینماید که با متداد در پای پنج واقع شده است ،صخره هاییکه در کنارهٔدریای پنج‌واقع‌بوده وراه مردم ازآن میگذرد بحدی لغشم ولغزان است که با دست و پای ممکن نیست از آن عبور نمود مردم در درز های صخره هامیخ های چوبی کو بیده و موازی با این میخ ها و پایا نتر از آن یك رشته چوب های باریك وطویل را به صورت افقی قرار داده ویا میخهای قند کره نو سط شا خچه های از غوان محکم کرده اند . در پای این راه ، خیلی پائین دریای خرو شان پنج از بین درهٔ پر پیچ و مخوف مستی کنا ن میگذرد که اگر سنگر یزه ای ازراه بغلطد مستقیما در وسط امواج پنج می افتد .

رهییما یان در واز مجبور نند هنگام رفتن بسوی بازار ها از ین راه عبور نما یند ، دستها را روی میخهای چوبین نگاه دارند و پا هارا روی چوبهای افقی بگذا رند وهرگز در عمق دره نظر نیندا زند . باید نوبت با همها را هنگام حرکت جداً مرا عات کرد و قد مها را بدون تکان بر داشت . کسیکه اند کی درگذشتن از این وصله ها غفلت ور زد ،لابد یا میخها از درز ها جدا میشو ند ، یا رشته های از غوان قطع شده مستقیما در کام امواج پنج جای میگیرد و غالبا قبل از آنکه به بستر در یا برسد ، جان مو سپارد . خلاصه اینکه بیچا شدن یك میخ ، شکستن یك شاخه و بیچا شدن یك چوب‌افقی کافی است انسان را بمرگ مطلق بسپارد . اما در بعضی قسمتها این چوبها آنقدر بسطح آب دریا نزد یك استند که هنگام آبخیزی چو بهای افقی زیر امواج آب مستور میشود . برای انسا نهای نا بلد خیلی مشکل است که تصمیم گذ شتن از ین وصله های چوبی را بگیرند .

بسا اتفاق میا فتد که دو نفر در همین راه رو بروی هم می آیند وراه یکد یگر خود را می بندند . این وضع برای هر دو جانب پراز رنج و خطر است ، ازین دو یکی مجبور است دو باره بعقب بر گردد و تا آخر این وصله های چو بی حرکت کند .

اینست راه (آتنگا) راه خطر و مرگ که در عصر را کتها و جتها هنوز مردم ستمد یده در واز بحیث خطوط موا صلاتی از آن استفا د ه میکنند .

نمیدا نیم آنا نیکه دم از انکشاف و پیشرفت افغانستان میز نند و با طمطراق این مطالب را تکرار میکنند همچو مناطق عقب ماندهٔ کشور را به خاطر دارند یانه ، انکشاف یعنی از دیاد وسائل بخاطر رفاه طبقا ت ستمگر جا مه؟ این گونه انکشاف واقعا هم‌مشمول‌داست! اما انکشافیکه بخاطر حل مشکلات خلق صورت گرفته باشد ، هنوز وجود ندارد .

ما بخاطر بد بختی مردم در واز و در پنجا خا صتاً بخاطر راه مرگبار آتنگا اعتراض خود را بر دستگاه فر توت حاکمه اظهار میکنیم .

عده ئی از شا گردان درواز

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

مسأله انکشاف‌دهات باید هرچه زودتر حل گردد

یکی‌از شیوه های معمول دستگاه حاکمه افغانستان حر کات نما یشی ومانور به کار انجام اصلا حات در جامعه می‌با شد . بهمگان معلوم است که گردا نند گان این دستگاه بنا بر ما هیت مو جود طبقا ئی خود نه ما یل اند ونه قادر که‌درو ضع‌مو جود اصلاحات اجتما عی بسیار سطحی را بو جود آورند، تاجه‌رسد به‌ا یجاد تغییرات اساسی در جا معه. بنابرآن آنها در پی آن نیستند که به حل حدا قل مسایل مبرم ومشکلات جدی مردم بپردا زند . گذ شته از آن‌فساد اداری چنان سر تاپای این دستگاه فر سوده را فرا گر فته است که‌اصلا انجام هر گونه عمل مثبت ومفیدرادر شرایط کنونی ناممکن میسا زد. بد ینجهت حکومات درا فغا نستا ن بقصد فریب مردم و تظاهر بکاروقتا فو قتا دست به یك سلسله کارهای تقلید ی میزنند وتبلیغات و سیعی را پیرامون آنها براه می‌اندا زند، تشکیلات وسیع وپرعرض و طول را بو جود می آورند ، پو لهای هنگفت را بمصرف میر سا نند وآنگاه که باید نتایج کار مورد بر رسی قرار گیرد بملا حظه میر سد که‌همهٔ آن وعده‌ها با تمام تبلیغات پر آب وتاب، سرابی بیش نبوده است . یکی از نمونه های اینکارنامه ها درافغانستان تشکیل ریا ست انکشا ف دهات‌بود که‌باطرح پروگرام وسیع«انکشافی»، صلاحیت وبود جه که فی ایجادگردید وپس‌ازچندین‌سال کار، صرف دهها ملیون دا لروا فغانی ، بکسار برد ن وسایل وو سا یط مختلف ووعده‌های فراوان بمردم ، در نتیجه فسادوسوء اداره حکومت، تازه متو جه گردیدکه نتایج حا صله از آن فنا عت بخش نبوده است.وتصمیم به تجزیه امور والغاء آن گر فته شد. درا ثر تصمیم حکومت درمورد سر نو شت ریاست انکشاف دهات ،شکایات واعتراضات جندی‌از نقاط مختلف افغا نستا ن طی نامه‌های دستجمعی وفردی چه‌بمنظور افشاء ناکامی های این‌اداره وچه‌در جهت دفاع از پر نسیپ مو جود یت آن‌به‌اداره بر چم رسیده است که‌ما خلا صه برخی ازین نامه‌ها و شکایت نامه‌ها را درسطور زیرین انعکاس مید هیم ولی قبل ازآن باید تذکردادکه بدو ن انجام اصلا حات دمو کرا تیك ارضی به سود دهقانان وبه اشتراك آنان وبر پا یهٔ آن ایجاد مؤ سسا ت تعاونی وکو پرا تیف‌های تولید ومصرف نمی توا ن کلید حل مشکل دهات کشور را بد ست‌آورد.

***

٦٢ نفراز اهالی و لسوا لی محمد آغه لو گر درنامه‌نیکه‌در پای‌آن امضاء کرده ویا مهر و شصت گذ اشته‌اند ، مینویسد که: تصمیم حکومت مبنی‌بر انحلال ریا ست انکشاف دها ت تعجب آور است . بجای اینکه اداره انکشاف داده‌میشد تا کارها نی‌را دردهات کشور انجام میداد، تصمیم به‌انحلال آن گر فته شد ....

***

اهالی و لسوا لی سنگ چا رك مر بوط ولا یت جوز جا ن طی نامه اعتراضیه خویش که در پای‌آن(٤٧) نفربه‌نمایندگی از ایشان امضاءکرده ویا شصت گذا شته‌اند،می نویسند: پروژه انکشاف دهات و لسوا لی سنگچارك که‌باوعده های دروغ غیر خدمت بمردم وایجاد تسهیلات لازم برای ایشان دو سال قبل افتتا ح گردید، تا کنون مؤ فق به‌انجام کاری مفیدبه نفع مردم منطقه نگردیده‌است که‌در خور یاد آوری باشد. پرو گرام طرح شدهٔ پروژه‌باوصف کاغذپرانیها ومو تر دوا نیهای فراوا ن بسر حلهٔ اجرا درنیامد .اهالی منطقه که‌برای نخستین با ر، امیدوار به و جود دو کتور ودوا گردیدند ، از فالگیری وندر بندی برید نند ، اما بزودی امیدوا ری‌شا ن به یا س مبدل‌گردید وسوء استفاده‌های وسیع‌بنام تداوی بیما ران بعمل آمد. تصورش رابکنید که‌یك فرد فقیر و ز حمتکش چطور میتواند یکصد افغانی‌را صرف برای یکبار فیس معا ینهٔ خویش‌بپردا زد !

اهالی‌و لسوا لی سنگ چارك در اخیر نامه خویش مینویسند که‌ماعلیه مفتخواری‌هاوبی‌مسئولیتی‌های‌مقامات حاکمه ومنجمله پروژه انکشاف دهات اعتراض میکنم وجدا خوا ها نیم که غا رتگران لگام زده شوند ومجا زات گردند .

***

پلو شه پژمان از شیو کی و لایت کابل در نامه ئی تحت عنوا ن «یکقدم قهرمانی‌در تشکیلات‌حکومت» این سه سوال را طرح می نماید که :

(۱) اگر پرنسیپ تشکیل ریاست انکشاف دهات صحیح‌نبوده‌واین‌اداره درکار خود هیچگونه مؤ فقیتی را بدست نیاورده‌است، پس ولامنظور ازایجاد آن ، تا نیا دامه کا ر آن وثا لثهٔ صرف صدها ملیو ن افغا نی از بو دجه دولت طی چندین سال متوا لی (در حدود چهار ده سا ل) درین راه چه بوده است ؟.

(۲) اگر پر نسیپ تشکیل آن صحیح بو د ه ، پس چرا در طرف این مدت طو لانی درامور و طرز اجرا آت آن اصلا حاتی بو جودنیامده است که اکنون به افغا نی آن دست ز ده می شود ؟

(۳) با منحل سا ختن ریا ست انکشاف دهات سر نو شت عدهٔ زیادیکه درا ثر این تصمیم بیکار میگردند ، چه میشود؟

***

صا لح محمد کهسارازو لسوا لی چمکنی و لایت پکتیا ضمن بحث انتقادی بر فعا لیت‌های پرو ژه‌های مربوطریاست‌انکشاف‌دهات وبخصوص اجرا آت نا صحیح پرو ژه ولسوالی چمکنی می نو یسد که«مصا رف سالیانه پرو ژه، سر سام آور است وسر به ملیو نها میزند ، سوء استفاده‌ها به عنا وین مختلف نقداً وجنساً فراوان صورت می گیرد ، در حا لیکه ثمر کار آن به‌نفع مردم محدود و حتی بحکم هیچ است .بارها اتفاق افتاده است که آغاز و حتی پیشرفت سریع کا ری تو سط پروژه اعلان گردیده در حا لیکه قطعاً آن‌کار آغازی نداشته است و یا تبلیغا ت دربا رهٔ انجام کا ری هنوز جریان دا شته که مد تها قبل کار آن قطع گردیده و نیمکاره با قی گذا شته شده‌است .

(بقیه صفحه ۲)

چهارمین گزارش کمسیون...

قانو ن اسا سی ونهضت عر فا نی افغانستان میباشند ، قریب ا ست که در اثر اعمال نابخردانه حکو مت فتور عر فانی بی سابقه یی درمملکت رونما گردد .

۲- از آنجاکه شوری به حیث یك ارگان مهم نظام دیموکراسی «مظهر اراده مردم است و از قا طبه ملت نمایندگی میکند» اعمال وکلای شوری باید مطابق ارزشهای قانون اساسی وخواست های مردم باشد،درحالیکه وکلای ولسی جرگه در چنین مرحله حساس و خطیر مسوو لیت ملی و تاریخی خود را در حیات سیا سی مردم افغانستا ن بکلی فرا مو ش نموده ، گروهی تحت تاثیر اعما ل نفوذ قو ه اجرا ئیه قرار گرفته به صیفیه های دور ونزدیك کابل به میله ودیگیه بزانی، بخوشگذرا نی میپر دازند، و دسته‌ئی بغرض تجدید وکالت در حالیکه وعده های سابق خود را دوفیصد هم ایفاء نه کرده‌اند ترك وظیفه نموده باوعده های مکرر دروغی به مردم نجیب افغا نستا ن در طو ل مار های تجدید وکالت امضاء می ستانند، دسته سو مین به غرض استفاده جویی های دو جانبه(بین اعضای حکومت واعضای ولسی‌جرگه) **دسیسی به وجود میاورند** که هدف آن توبیخ قشر های منوری میباشد که‌از نوامیس‌ملی افغانو قانون‌اساسی حمایت میکند و دسته چهارمین که ملتفت اوضاع خطیرکشوروسوولیت سنگین خو یش هستند چنا ن در اقلیت واقع اند که حضور شا ن در مجلس به تکمیل نصاب‌نمی‌انجا مد.

۳- از آنجاکه حادثه اسفناك‌تعرض به حریم پو هنتو ن (۲۹ ثور ٤٨) چنانکه واقع شده با چشمدیداستادان مستقیما وبه تفصیل به اطلاع مر دم نرسیده است وحکومت این عمل‌خود را که خلاف قانون اساسی ونوامیس ملی افغانی وبشری میباشد به‌منوانو جرگه به صورت منحرف و خلا ف واقعیت گزارش داده ، فیصله نا مه استادان پوهنتون را که زاید از سه صد نفر استاد آن رااضا ودو باره تایید کرده اند فیصله یك ا قلیت‌و کمیسیون قانونی شان را که ازطرف مجمع عمومی‌استادان‌پوهنتون‌انتخاب شده اند بی صلاحیت وانمود کر ده است ؛

٤- از آنجاکه دستگاههای نشراتی روزنامه ها وجراید حکومتی حقا یق مربوط به واقعات المناك پو هنتو ن ومعارف را دربعضی موارد به‌صورت یك جانبه وخلاف حقیقت نشر نموده ودر موارد دیگر به‌کلی کتمان کرده است ،در حالیکه همه این و سا یل نشراتی مال مردم بوده وبایدول مردم تمویل می شود وباید درخدمت مردم بوده‌ستمهایی را که بر مر دم افغانستان وارد می شود ،صادقا نه گزارش دهند، به حیث آله دست حکومت سکوت مرگباری را اختیا ر کرده وکوشیده اند اذهان مردم را به‌نفع حکومت وبر ضد پوهنتو ن ومعارف مغشوش سازند .(صفحه ٤)

پرچم

وافغانستان دفلک دموکراتیک انجاه وخپرونکی

۲ سر طان ۱۳۴۸

روش ضدقانونی وغیردموکراتیک عناصراخلالگر باهمدستی عمال حکومت ودستگاه امنیتی (!) دربرابر جریدهٔ پرچم

در این اواخر یك عده از عناصر وابسته به دستگاه حاکمه وذار و دسته های آشوب طلب وابسته به ارتجاع داخلی وشبکه های خارجی در مراکز فروش جریدهٔ پرچم ودر جلو چشم پو لیس حکومت، نسخه‌های پرچم را به عنف وزور از تك فرو شان گرفته ازهم میدرند وبشکل توهین آمیزی بدور می‌افگنند و فروشندگان آنرا تهدید ولت کوب مینمایند.

این عمل تاکنون چندین بار در مرکز وولایات کشور صورت گرفته و بخصوص در مرکز کابل مشهود است وهمچنان روز شنبه گذشته محمد همرمعاون لیسه‌نعمان ولایت پروان اطفال صغیری را که جریدهٔ پرچم را بغر ض تامین معاش‌دربازار عرضه میکرد، در ملای عام موردلت‌وکوب‌قرار داده وجریده را پاره‌پاره‌کرده بدور افگنده‌است.

ما در حا لیکه علیه این عمل خلاف قانون وضد دموکراتیك عمال حکومت جداً اعتراض مینمائیم ، دستگاه حکومت را نسبت به موضعگیری تما شاگرانه و تشویق آمیز نیروهای امنیتی(!) آن‌مسؤول عواقب وخیم چنین اعمال تحر یك آمیز وضد امنیت ومصونیت عامه میدانیم.

درباره جنبش آزادی بخش ملی در جلسه بین المللی

در سند اصلی جلسه بین‌المللی احزاب کمونیست وکار گری گفته میشود که«سه قوه نیرومند دوران ما ـ سیستم جهانی سو سیالیستی، طبقه کارگربین‌المللی‌وجنبش آزادی ملی‌ـ در مبارزه علیه امپر یا لیز م بهم می پیوندند.

«اعتلای جنبش آزادیبخش ملی خلقهای آسیاـ افـر یقا ضر بت هلاکتبار بست‌برمواضع امپریالیزم درین قاره ها. ملل این قاره ها علی رغم مشکلات جدی به مبارزه شان علیه استعمار واستعمار نو ادامه مید هند و به تعرض عمو می علیه امپر یالیزم کمك مینمایند.»

جلسه که از ۵ تا ۱۷ جون در مسکو دایر گردید، وظایف مبرم مبارزه را علیه‌امپر یالیزم ومسایل عمل متحد انه توسط کمونیستها و تمام نیروهای دیگرضد امپریالیستی را مورد بحث قرار داد؛ در نتیجه مباحثه که باروحیه دمو کرا سی برابری وانترناسیو نالیستی بعمل آمد ، اشتراك‌کنندگان در جلسه‌در بارهٔ وضع کنونی جهان ووظایفیکه از آن ناشی میگردد ، به نتایج مشترکی رسیدند.

جنبش انقلابی جهانی با وصف برخی مشکلات وموانع عار ضی آن به پیشروی خود ادامه مید هد. امپر یالیزم باوجود اینکه تلاش میورزد جلو این پیشروی را سد نماید، مؤفق نگردیده است که تناسب عمومی نیرو هارا به نفع خود تغییر دهد. حوادث دههٔ گذشته آشکار میسازد که ارزیابی خصلت ما ر کسی ـ لیینیستی ، مضمون و گرایشهای عمدهٔ عصر کنو نی، صحیح است.

عصرما، عصر انتقال از سرمایه داری به سوسیا لیزم است.

ازبرکت رشد روز افزون قو ت اقتصادی ،سیاسی‌ونظامی‌وسیاست صلحجو یانه خارجی اتحادشو روی ودیگر دول سو سیا لیستی ، فعالیتها ی‌پرولتار یای بین‌المللی‌و تمام مبا رزا ن ضد امپر یا لیز م ، مبارزه بخاطرآزادی‌ملی وهم جنبش توده‌ای صلح جلوگیری‌از بروز یك جنگ جهانی ممکن گر د یده است » .

سیستم جهانی امپر یا لیز م نیرومند ترنگردیده است، اما هنوز جدی وخطر نا ك میبا شد. ایالات متحده امریکا بحیث نیروی عمده امپر یا لیستی، متعرض تر گردیده است .

«امپر یالیزم در مبارزه علیه جنبش آزادیبخش ملی از یکطر ف از بقا یای سیستم ا ستعما ری به سر سختی دفاع مینماید وازطرف دیگر سعی می‌و رزد با استفاده از شیوه های استعماری جد ید از پیشرفت اقتصادی واجتماعی دول در حال رشد وکشو ر هاییکه حاکمیت ملی نشانرا بدست آورده اند، جلو گیری نماید .

برای این مقصد امپر یالیزم از محافل ارتجاعی پشتیبانی مینماید. «محافل عقب‌مانده‌ترین ساختمانهای اجتماعی را به تعویق می اندازد و سعی میورزد که در راه پیشر فت بسوی سو سیا لیـزم، یـا در راه رشد غیر سرمایه داری مثر قی که میتواند راه‌را برای سوسیالیزم باز نماید ، مو انع ا یجا د کند، امپر یا لیستها بر این کشورها موافقت نامه های اقتصادی و پیمانهای نظامی ـ سیاسی ابرا که حاکمیت ملی‌شانرا محدود میسازد تحمیل می نمایند.آنها این‌کشورها را از طریق‌صدور سرمایه، شرایط نابرابر تجارتی، تحت نفوذ قرار دادن قیم نرخ تبادله، فروضی و انواع مختلف با صطلا ح « امداد» وفشار از طریق سازمانها ی بین‌المللی مالی ، استثما ر می‌نمایند.

سند تا کید مینما ید که ا مپر یا لیزم از طریق اتحی ـ کمونیزم میکوشدصفوف انقلا بیون را درین کشورها مواجه به‌شکست سازد وایشانرا از بهترین دوستان شان‌ـ دول سو سیا لیستی و جنبش انقلابی طبقه کار گر در کشور های سر ما یه داری‌ـ تجرید نماید.

«جنوب شرق آسیا شر ق دور یکی از ساحات عمده تعرض امپریالیستی وقمار های نظامی آن میباشد» مداخله‌مسلحانه در ویتنام مقام خاصی در نقشه های نظامی وسیاسی امپریالیزم ایالات متحد ه امریکا دارد. مجاوز نقشه دا شت که یکی از پاسداران سوسیا لیزم را در آسیا محو سازد، راه مردم جنوب شرق آسیا را بسوی‌آزادی وترقی مسدود کند. ضر بتی بر جنبش آزاد یبخش ملـی حـواله و نیرو مندی همبستگی پرو لتر ی کشور های سوسیا لستی وخلق رحمتکش تمام جها ن را مورد آزمایش قرار دهد.

همچنان اعمال امپر یالیزم‌دراین حصه جهان‌متوجه دولتهای بیطرف و غیر منسلك میباشد.

در سند گفته میشود که امپر یالیزم در عده‌ئی از کشورهای افریقائی بیشترفعال گردیده و سعی می‌ورزد که رشد مبارزه آزادیبخش را متوقف سا زد و مواضع خودرا در آن قاره حفظ و تقویت نماید. امپر یا لستها ی برتانیه وفرانسه و امپر یالستهای ایالات متحده ،آلمان غرب وجاپان وسیعا ازشیوه های ا ستعمار نو یعنی نفوذ کردن وتابع ساختن اقتصادی ،سیاسی واید یو لوژیکی کار میگیرند.

سند تاکیدمینماید که: «واقعات دهه گذشته نیرو مند تر نسبت به هروقت دیگر خصلت امپر یا لیزم ایالات متحده را بحیث استثمار گر وزاندارم جها نی ، بمثابه دشمن سوگند خورده جنبش های رهایی بخش برملاو برهنه ساخت.»

«امپر یالیز م مسؤو ل مشقا ت ورنجهای صدهاملیون مردم میباشد. بطور عده مسؤو لیت این امر که توده های‌وسیع‌مردم در کشورهای آسیـا یـی ، افـر یـقا یـی و امریکای لاتین مجبورند در شرایط فقر ،بیمـاری وبیسوادی درروابط کهنهٔ اجتماعی بسر برند، واینکه ملیتها بطو رکلی محکوم بـه‌فنا میباشند، بردوش امپر یا لیزم‌است.

سند خاطـر نشان میسازد کـه « سیستم جها نی سو سیا لیستی نیروی قا طعـی در مبا ر زه ضـد امپر یالیستی میباشد. سوسیالیزم دورنمای نجات از امپر یالیزم رابه بشریت نشا نداده است.درحقیقت به اثبات رسیـده اسـت کـه‌تنها سوسیالیزم میتواند پرابلم هـا ی اساسی راکه بشریت به آن مواجه است حل کند.»

«سیستم جهانی سو سیالیستی به اتکای رشد روز افزون‌اقتصادی وبالقوه دفاعی خویش امپریالیزم‌را زنجیر میکند. امکا نات آنرا برا ی صدور ضد انقلاب کاهش میدهد و در اجرای وظیفه انقلابی خود کمك روز افزونی رابه خلقهاییکه در راه آزادی واستقلال می جنگند ، ایفا مینماید وصلح وامنیت بین‌المللی‌را استحکام می بخشد.»

در سند جلسه تاکید میشود که «در دهه گذشته نقش جنبشهـای ضد امپر یا لیستی خلقهای آسیا، افریقا وامریکای لاتین در پرو سه انقلابی جهان پیوسته رشـد یافته است.»

جنبش آزادیبخش‌ملی دربسیاری از کشورهای آسیائی و افریقا ئی بمرحله جدیدی وارد گردیده است. «امپرا توری های کهن‌استعماری تقریبا بطور کامل از بین رفته‌اند، نجات افر یقای جنوبی بمثابه یکی‌از آخرین ساحه‌های تسلط استعمار ی برای‌آینده افریقا وهرام صلح اهمیت بزرگ دارد.»

«جنبش آزادیبخشـی اعـراب در پیکار علیه امپر یالیزم جهانی‌نقش برجسته ایرا ایفا میکند. این‌جنبش تاثیر مثبتی بر تمام جنبشـ ضـد امپر یالیزم وضد استعمارنو درشرق میانه و افر یقا وارد مینماید.مبارزه خلقهای عرب علیه امپـر یالیـزم‌و تجاوز اسرائیل بخشی از مبارزه عمومی میان نیرو های آزادی و سوسیالیزم در سراسر جهان در یکطرف وامپر یالیـزم جهانـی در طرف دیگر میباشد.»

«تغییر تدریجی اجتماعـی در کشور های‌تازه به استقلال رسیده رشد می‌یابد.درین کشور هانبردمیان طبقه کارگر ،دهقانان‌ودیگرنیروهای دمـو کـراتیـك‌بشمـول بخشهای دارای ذهنیت وطنپر ستا نـه خرده‌بورژوازی از یکـو واز سوی دیگر امپر یالیـزم ونیـرو هـا ی ارتجاعی داخلی، عناصر بورژ وازی ملی‌ایکه بصورت روزافزون معامله‌گری با امپر یا لیز م را می پذیرند تشدد می‌یابد.»

«در اغلب دول مستقل آسیائی وافریقائی بموازات ا مر تحکیم و حفظ استقلال سیاسی و حاکمیت، مسایل اساسی‌ترقی اجتماعی‌عبارت است از غلبه بر عقب مانـدگـی اقتصادی ، ایجد اقتصا د مستقل ملی بشمول صنایع‌ملی‌آنها وارتقای سطح زندگی مردم».

در سند گفته میشود که «برای کشور های‌مستقـل آسیا وافریقـا تاسیس مناسبات‌دوستانه وهمکاری مؤثر باکشور های سو سیا لیستی اهمیت بزرگ دارد».

جلسه خاطر نشا ن کرد که راه رشد غیرسرمایه‌داری برای‌دولتهای جوان امکان آنرابوجود آورد که بر عقب‌ماندگی میـراث دورهٔ استعمار غلبه کنند وشرا یطی را برای گذار به رشد سو سیا لیستـی ایـجاد مینماید.

«درین کشور ها جهـت یا بـی سوسیا لیستی در حال پیشر فت است وبر مشکـلات وآزمـایشهای بزرگی غلبه می‌یابد. این کشورها مبارزه مصممی را علیه امپر یالیزم واستعمار نو پیش‌میبرند.

در سند گفته میشود «کشورـ هائیکه راه رشد سر مایه داری در پیشی گرفته اند ، قا د نیسستند که هیچیك از برابلم ها یـرا کـه بآن مواجه‌اند حل کنند»

«طریق اجرای وظایف رشدملی ومترقی‌اجتماعی و جواب د ندان ـ شکن مؤثر به دسایس استعمار نو اینست که فعالیت خلق بلند برده شود، نقش پرو لتا ریا ودهـقانان افزایش یابد، جـوانان کـار گـر، محصـلان ، روشنفکـر ان. اقشار متوسط شهری ومحافل دموکراتیك نظامی ـ تمام نیروهای وطنپرست ومترقی متحد شوند.این‌نوع وحدت است که‌احزاب‌کمونیست وکارگری خواهان آنند».

در سند گفته میشود که« روش خصمانه در برابر کمونیزم وتعقیب کمونیستها مبارزه در راه نجا ت ملی واجتماعی خلقها را صـدمه میزند » در سند گفته میشود که: «کمونیستها همبستگـی شانـرا با مبارزه خلقهای آسیـا، افـر یـقا وامریکای لاتیـن تاکیـد وتکـر ار مینمایند».

جلسه «تداپیر مؤثر بین المللی را در پشتیبانـی ازوطنپر ستا ن انگولا ، موزنبیق ، گینی، بیساو ، زیمباوی ، نیمبیا وافر یقای جنوبی، در پشتیبانی از همه خلقهای تحت ستم » مطالبه نمود.

جلسه عمل متحدانه رابه تـما م کمونیستهای جهان ، به د شمنان امپر یالیزم، بتمام آنها که حاضرـ اند بخاطر صلـح ،آزادی و ترقـی بجنگند، پیشنهاد نمود.

«نخستین هدف عمل متحد انـه پشتیبانی همه‌جانبه از خلق‌قهرمان ویتنام میباشد ».

جلسه به عامه جهـان پیشنهاد نمود که در باره وسیعترین سلسله مسایل مـربـوط بمبـا رزه ضـد امپریالیستی تبادل نظـر مؤثـر و تعمیری داشته باشند.

«د ر سند گفتـه میشـو د کـه بهمفشردگی احزاب کمـو نیسـت وکارگری عامل مهم متحد سا ختن تمام‌نیرو های ضد امپر یا لیستی میباشد.

جلسه تقاضای مساعی مشترك در مبارزه ضد اعـمال سیاسـت نژادی را نمود: «ماوسیع تـر یـن امکان جنبش اعتراض را علیه‌رسوا ترین پدیده زمـا ن مـا ، تعقیـب وحشیانه ۲۵ ملیون‌سیاه پوست در ایالات متحده امریکا ، ترور نـژادی در افریقای جنـوبـی ورودیشیا و بـر ضـد تعـقیـب و شکنـجـه مردم عرب در مناطق اشغالی ودر داخل اسرائیل، بر ضـد تبعیض نژادی وملی ،برضد صهیونیست و انتی سیمیتیزم ، کـه تمام اینها را نیروهای ارتجاعی سـرمایـه داری دامن میز نند وازان بغر ض گمراه ساختن توده ها کار میگیرند تقاضا مینمائیم».

د ر سند تا کیدمیشو د که :ـ «امپریالیزم بخاطر متفرق سا ختن خلقها وحفـظ سلطـه خویش از سیاست نژادی کار میگیرد».

«اشتراك کنندگان این جلسه را بحیث یکمر حله مهم فشردگی جنبش جهانی‌کمونیستی‌می‌پندارند. آنها معتقدند که نباید غیاب چند حزب کمونیستی مانع مـا سبات برادرانه وهمکاری بین تمام احزاب کمونیست وکارگری بد ون استثنا گردد . آنها تصمیم شانرا بغر ض رسیدن بعمل‌مشترك‌در مبارزه علیه امپریالیزم ، بخاطر اهداف مشترك جنبش طبقه کارگر بین‌المللی وآن احزاب کمونیست وکارگری که در جلسه موجود نمایندگی‌نداشتند، نیز اعلام میدارند».

در سند اظهارمیگردد: « مبا رزه علیه امپریالیزم یك نبرد طولانـی، پیگیر ودشوار است. پیکار هـای سخت طبقاتی در پیشـرو اسـت. بیائید تعرض بر ضد امپر یالیز م وارتجاع داخلی را شدت و تـوسعه دهیم . نیرو های انقلابی ومترقـی درین نبرد به یقین پیروزمیشوند!»

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان لایق

تیلفون : ۲۳۱۶۴

دیوی گنی بیه ۲٫۵۰ ـ افغانی

مطبعه دولتی

اعتصابات ومتینگهای متحدانه محصلان پوهنتون وشاگردان معارف ادامه دارد

بر طبق‌ابلاغیه وقطعنامه تاریخی ۲۴ جو زای ۴۸ جبهـه مـتحـد دموکراتیـك جـوانان پوهنتـون و معارف (منتشره در شماره گذشته پرچم) در سر تاسر هفته گـذشته تظـا هـرا ت ،اعتصا بـا ت و میتنگهای محصلان پوهنتون کابل و شاگردان برخی از مکاتب لیلیه مرکز جریان داشت.

میتنگهای جوا نان همه روزه در محوطـه پـو هنتـون بـه اشتراك محصلان وعدهٔ ازشا گردان با حفظ اتحاد میان‌ایشان دایر میگردد.اتحاد جوانان محصل که علی رغـم فـتنه انگیزی های محافـل ارتـجاعـی ، تـلاشهای نـفـاق افـگنـا ن و اخـلالـگـر ی هـای گـر و معلوم‌الحال چیروان چه در جر یان تظاهرات خیابانی، چه‌در اعتصابات ومیتنگها که تاکنون حفظ گر دیده وادامه دارد ،در خور تقدیر ومظهر پیروزی است که نمایندگی ازارتقای سطح آگاهی جوانان و طنپرست و اعتلای جنبش‌دموکراتیك دانشجوئی در کشور مینماید.

هفته فرهنگی

پنجاهمین سا ل تا سیس روابط دو ستانه بین ا فغ انستان واتحاد شوروی نسبت بسا لها ی قبـل بمقیا س وسیعتری در مسکو و کابل تجلیل گردید . بد ینمنا سبت یك هیات بزرگ هنری اتحاد شورو ی بشمو ل چند نفر از هنر منـدا ن مشهور سینـمـای شـوروی وا رد افغانستان شده وهفته فر هنگـی اتحاد شورو ی‌در کابل بر گزار شد.

در یکی از سینماها ی مر کز فلمهای شوروی درمعرض‌تما یش‌قرارگرفت، دسته بزرگ هنرمندان جمهوریت از منستان شو روی تماینمشهای‌جالبی از رقصهای ملی شور وی را اجراء کردند .

هفته فرهنگی شوروی از تا ریخ ۲۶ تـا ۳۱ جـوزا در کـابل برپا بود .

دپکتیا په‌ولایت کی دارگون دلوی

ولسوالی د سروروضی‌خلك د بیگار لـه لاسه په تنگ شویدی

سیره له‌دی چه‌دافغانستان اساسی قانون حکم کوی چه‌به‌خلکوباندی هر ډول جبری کار ونه او بیگار منع دی خو حکو متی مامورین دمحلی‌متنفذینو په مرسته خو ورخی دمخه نـژدی‌لس روځی د سر رو ضی به خلکو باندی دلر گی په زور بیگاری کا ر ونه سرته ورسول .

دغه غیر قانونی عمل دهغه ځا ی خلك ډیر پریشانه کړی دی ځکه چه ددی کلی خلك ا کثر ، دهقانا ن او لیر گبانه تشکیلوی که‌یو ه روځ کار اومزدو ری ونکړی د خپل کور دپاره وچه او ډو ډی او نفقه نشی پیدا کولی.

که چیری غه‌خبر رښتیاوی‌دډیری خواشینی وړدی ځکه چه داساسی قانون دا حکامو پیروی‌نه یوا زی په خلکو باندی جبری دی بلکه حکو متی مامورین هم مکلف دی چه د قانون احترام او ا طا عت و کړی که دا سی نه‌و ی نو قانون به خپل ار ز ښت لکه چه له لاسه ئی‌ورز کـړی دی ، نورهم له لاسه ور کړی .

اعتصاب شاگردان ښوونځی ده نو ولایت لوگر

شاگردان

ـ تهیه چو کی ندریسی ویافرش صنوف ونجات‌شاگردان‌ازخاك‌نشینی.

ـ تهیه کتب ومواد درسی برای شاگردان،

ـ اعمار یك‌تعمیر اساسی برای ښوونځی ،

اعتصاب تاوقتی ا دامه داشت که سر معلم مکتب در جمعیت شاگردان حاضر شده وعـده دادکـه بـرای برآورده‌شدن‌خواستهای آنان‌بامقامات مسؤول بتماس می آید وبرای تامین مطالبات صنفی ایشان جداً اقدامات مینماید .

(بقیه صفحه۳)

چهارمین گزارش ...

بنابر دلایل فو ق ما استا د ان پوهنتون کابل بادرنظر گرفتن‌حقایق مسلم فوق ودر صورتیکه نصابه‌ولسی جرگه برای غور بر فیصله نامه‌ماالی ۳شنبه ۳سرطان ۴۸ تکمیل نه‌گردد، به «جلسه اعترا ضیه» یك روزه به منظوراظهارشاگری اعمال‌ضددیموکراتیك حکومت، شوری وجراید حکو متی می پردازیم و بعد از آنکه چهره ها ی واقعی وکلای دروغی و معاشخوار را به‌مردم معرفی نمودیم، توصیه‌میکنیم تامن بعد جنین افراد مفتخوارر اته خانه آرزوهای ملی مازاه ند هند و کسانی را به حیث وکیل‌ملت‌انتخاب نمایند که وظیفه نما یند گی ملت زامقدس بدانند .

تاریخ و جر ئیات پلا تفارم «جلسه اعتراضیه» یك روزه ما بعداً به‌اطلاع عموم رسانیده می شود .

گزارشهای کمیسیون سر ازهمین شماره به امضای رئیس کمیسیو ن در جریدهٔ و روز نامه ها مدار اعتبار و قابل نشر است .

خوا هشمند است این گزا ر ش بدون تصرف نشر شود.

از طرف کمیسیون منتخب‌استادان پوهنتون کابل

پوهنوال علی محمد «زهما»رئیس کمیسیون